

در گفت‌وگو با مؤسس و مجریان «طرح دانش و بینش» مطرح شد

بردن دروس حوزه میان مردم

۲

روایت فرزند شهید مدافع سلامت بیمارستان رضوی از والدینش

سوگندنامه‌ای با دو امضا

«دکتر احمد خسروی خراشاد» پزشک متخصص داخلی بیمارستان فوق تخصصی رضوی مشهد در تاریخ ۱۵ مردادماه سال۱۳۹۹ در سن حدود ۷۰ سالگی و در جریان خدمت به هموطنان و درمان بیماران مبتلا به بیماری کووید۱۹، جان خود را به علت ابتلا به بیماری کرونا از دست داد و به مقام شامخ «شهید مدافع سلامت» نائل آمد.بخش‌هایی از گفت‌وگو با دختر شهید، خانم «مریم‌طلا خسروی خراشاد» را بخوانید که از خصوصیات اخلاقی و همراهی مادر و پدرش گفته است...



روایت‌هایی کمتر شنیده شده از حضور رهبرِ جمعیت فدائیان اسلام در مشهد

منبرهای خیابانی «نواب صفوی»

■ یک سفر سیاسی

شهید نواب صفوی در سفر سیاسی خود به مشهد، دو هدف عمده را دنبال می‌کرد؛ نخست دیدار با علمای شهر و گفت‌وگو با آن‌ها درباره مسائل جهان اسلام و دوم حضور در اجتماعات جوانان شهر و ایراد سخنرانی برای آنان. آن مرحوم در این سفر با علمای مبارز و شناخته شده‌ای مانند آیت‌الله شیخ غلامحسین تبریزی معروف به عبدخدایی دیدارهایی داشت. میزبان شهید نواب صفوی جمعی از یارانش که گاه تعداد آن‌ها به حدود ۳۵ نفر می‌رسید، در این سفر و البته چند سفر بعدی به مشهد مقدس، انجمن پیروان قرآن به مدیریت مرحوم حاجی عابدزاده بود. مهدیه مشهد که در آن زمان یکی از مهم‌ترین کانون‌های مذهبی شهر به حساب می‌آمد، این میزبانی را بر عهده گرفت و البته نخستین سخنرانی‌های نواب صفوی در مشهد

از زوایای گوناگون آشنا شوند. این مسئله سبب شد بعدها حتی در جریان وقایع پس از قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱، مردم مشهد در تظاهرات خود، قضیه فلسطین را به صورت جدی مورد توجه قرار دهند. سخنرانی شهید نواب صفوی در صحن عتیق نیز با موضوع فراموش کردن سنت امر به معروف و نهی از منکر ایراد شد. برخی شاهدان عینی مانند «سیدحسن فاطمی» که از اعضای مشه‌دی فدائیان اسلام محسوب می‌شد، از اجتماع بسیار عظیم زائران و مجاوران در صحن عتیق سخن گفته‌اند؛ اجتماعی که شهید نواب صفوی بدون استفاده در بلندگو در آن به ایراد سخنرانی پرداخت و صدای رسای او، افکار عمومی را متوجه مسائل روز ایران و جهان اسلام کرد و پس از ایراد آن، شور و غوغای بی‌سابقه‌ای در میان مردم شکل گرفت.



■ مخفیگاه نواب صفوی در خیابان «دریا»

مشهد در جریان رویدادهای غمبار پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ نیز مدتی میزبان شهید نواب صفوی بود. رحیم‌پور اصفهانی از اعضای فدائیان اسلام در گفت‌وگویی به این مسئله کمتر شنیده شده اشاره می‌کند و می‌گوید آن مرحوم مدتی را در شهر مشهد و در جایی که امروزه منطقه طلاب قرار دارد، مخفی شده بود؛ جایی که به دلیل قرار داشتن گودالی بسیار بزرگ و مملو از آب به منطقه «دریا» شهرت داشت و امروزه ما آن را به نام خیابان «وحید» می‌شناسیم که از خیابان شهید مفتح (سیمتری طلاب) تا بزرگراه کمربندی مشهد (صدمتری) امتداد دارد. شهید نواب صفوی زمانی در این منطقه و در یکی از خانه‌های محقر و روستایی آن پنهان شده بود که آن مکان، بخشی از شهر مشهد به حساب نمی‌آمد. می‌دانیم که منطقه طلاب از اواخر دهه ۱۳۴۰ خورشیدی به تدریج آباد شد و نخستین خیابانی که در آن ساخته‌ند، خیابان شهید علیمردانی امروزی یا همان ۲۰متری طلاب سابق بود. شهید نواب صفوی حدود یک ماه در این محل مخفی شد و فقط دوستان و یاران خاص وی از این مسئله خبر داشتند. او گاه به وقت سحر، خودش را به حرم مطهر امام رضا(ع) می‌رساند و پس از زیارت، دوباره به مخفیگاه خود باز می‌گشت.

■ سخنرانی‌های شورانگیز در حرم مطهر

حرم مطهر از نخستین سفر شهید نواب صفوی به مشهد، میزبان سخنرانی‌های وی بود. سخنرانی مشهورش در زمستان سال ۱۳۳۰ در مسجد گوهرشاد شاید سبب شد برای نخستین بار مردم مشهد با قضیه فلسطین و هجمه گسترده صهیونیست‌ها به مقدسات عالم اسلام

■ محمدحسین نیکبخت

سیدمجتبی میرلوحی تهرانی که همه ما او را با نام «شهید نواب صفوی» می‌شناسیم، یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌های تاریخ ایران در سده اخیر محسوب می‌شود. تا پیش از فعالیت‌های او، مذهب‌یون علاقه‌مند به فعالیت‌های سیاسی، کار تشکیلاتی و مبارزات هدفمند را در قالب یک سازمان منسجم تجربه نکرده بودند. شهید نواب صفوی نه فقط در ایجاد ساختار و جذب عضو برای گروه خود بسیار موفق عمل کرد، بلکه تظاهرات و اقدام‌های وی نیز موجب گرایش عمومی مردم به جریان فدائیان اسلام شد و آن‌ها در میان اقشار متدین که بخش اعظم جامعه را تشکیل می‌دادند، از جایگاه بسیار خوبی برخوردار بودند. یکی از ویژگی‌های بسیار مهم جریان فدائیان اسلام و شخصیت شهید نواب صفوی، جوان بودن و جوان‌گرایی فوق‌العاده آن‌ها بود. فدائیان اسلام در سال ۱۳۲۴ش در حالی بنیان‌گذاری شد که بنیان‌گذار آن، تنها ۲۱ سال داشت و این مسئله در فضایی که عموماً جوانان نقش چندانی در تحولات سیاسی و اجتماعی ایفا نمی‌کردند و در بسیاری از موارد تنها کسوت یک پیرو را داشتند، بسیار جذاب به نظر می‌رسید. یکی از شهرهایی که جوانان آن به شدت تحت تأثیر جنبه شخصیت شهید نواب صفوی و مشی و مرام فدائیان اسلام قرار داشتند، مشهد بود. آن مرحوم بارها به قصد زیارت و شرکت در تجمعات به این شهر سفر کرد و مجموعه این حضورها، رقم‌زننده رویدادها و روایت‌هایی شد که امروز در سالروز شهادت وی و یارانش قصد داریم در صفحه نخست رواق مروری بر آن‌ها داشته باشیم.

■ ارتباط با «مبارزین اسلام»

بی‌تردید شهید نواب صفوی پیش از آنکه در کسوت رهبر فدائیان اسلام وارد مشهد شود، چند باری به این شهر سفر کرده بود. پدر همسر وی، نواب احتشام رضوی از فعالان قیام مسجد گوهرشاد بود و به همین دلیل به تهران تبعید شد. بدیهی بود که این ارتباط خانوادگی می‌توانست موجب ارتباط بیشتر و عمیق‌تر با فضای شهر مشهد باشد. با این حال، نخستین ارتباط تشکیلاتی وی و جوانان مذهبی مشهد که به شدت تحت تأثیر اقدام‌های جمعیت فدائیان اسلام در تهران قرار داشتند، از طریق تشکیلات جمعیت «مبارزین اسلام» برقرار شد. تعدادی از اعضای همین گروه بودند که برای نخستین بار از نواب خواستند تا سفری با هدف فعالیت‌های سیاسی به مشهد داشته باشد و به این ترتیب، نخستین سفر سیاسی شهید نواب صفوی به مشهد در سال ۱۳۲۹ش شکل گرفت و اطلاعیه‌هایی درباره ورود نواب صفوی به مشهد در روزنامه‌های فعال آن دوره شهر به چاپ رسید. البته در آن زمان، گروه‌هایی وجود داشتند که می‌خواستند مانع سخنرانی‌های او در مشهد شوند و حتی با استخدام جمعی از اراذل و اوباش سعی کردند مجالس سخنرانی وی را به هم بزنند، اما استقبال گسترده مردم از این برنامه‌ها، مانع تحقق خواست آن‌ها شد.

ویژه فرهنگ و معارف رضوی
| سال اول | ویژه نامه ۲۵۲ |

دکتر سعید طاووسی در گفت‌وگو با مهر مطرح کرد

بستن درهای مسجد، کارکرد اصلی آن را تضعیف کرده است

نصب کتیبه‌های جدید روی پرده خانه خدا

دیر کانون‌های خدمت رضوی آذربایجان غربی خبر داد

خادمیاران رضوی در خدمت صلح و سازش

مهلت سه ساعته برای پرداخت هزینه سفر به سوریه

حجت الاسلام والمسلمین حسین سوزنجی پاسخ داد

چه زمانی تقلید کنیم کی احتیاط؟

نیمکت زندگی

و این جیب‌های شرمنده

رقیه توسلی | از آن روزهاست که دلم می‌خواهد

با خودم حرف بزنم، نه با مسئول و دست‌اندرکار و مدیری... به عنوان مخاطب فقط بنشینم و زل بزنم به قیمت‌های نجومی که احاطه‌مان کرده‌اند... زل بزنم به لباس و خشکبار و کتاب و گوشت و گل و برنج و میوه و اثاث منزل و ماشین و خانه که قیمتشان داغ می‌زند... به زندگی که توی هر مغازه نفس‌گیر شده... به پیرزنی که دیدم امروز عطای شاد کردن نوه‌اش را بخشید به لقایش و ماشین اسباب‌بازی را برگرداند چون گفت چیپش کفاف نمی‌دهد... به آقای جوانی که بعد پرسیدن قیمت قزل‌آلا خندید و راهش را کج کرد و رفت... به لب گزیدن خانومی که قیمت کل میوه‌هایش را روی ترازو دید... به خودم که از خیر خرید آجیل گذشتم، از خیر گل‌هایی که کلی می‌توانست خانه را با انرژی و زیبا و سرحال کنند... به «باغبون مراد» که داشت پشت تلفن خودش را لعن می‌کرد که چرا سر تابستانی دل‌دل کرده و برنجش را نخریده... به دختر همسایه که مادرش می‌گوید: «سر یک جفت کفش کوتنی که قیمتش کف عرف بازاره، دو روزی میشه قهر کرده»... به همکارم که عزای تعویض لاستیک ماشینش را گرفته... به آقایی که توی صف انبوس برای همسرش تشریح می‌کند دو تا پیراهن را کارت کشیده پانصد هزار تومان و بعد به قبض توی دستش اخم و تخم می‌کند.

از آن روزهاست که به گمانم کالاها می‌خواهند خودی نشان بدهند و قیمت به رخ بکشند و قصدی ندارند جز چزاندن عقل معاش!

یکی از آشنایان که هرازگاهی از جنوب بار می‌آورد پیام فرستاده، پیامک را باز می‌کنم، ارقام پالتو و مانتوهایش خواندنی‌ست. پوووووف دارد. نخردنی‌ست. نمی‌دانم چرا یک آن فکرم می‌رود پیش کسانی که ۳۰-۲۰ میلیون تومان ماهانه واریز می‌شود به حسابشان، پیش کسانی که دخل و خرجشان حسابی جور است با هم. پیش آن‌ها که اصطلاحاً غم نان ندارند.

سنجاق

من دلسوز: بیچاره بچه‌ها و بیچاره اسباب بازی‌هایی که به همدیگه نمیرسن.
من خسته: کارتن‌خواب‌ها را ببین. وضعیتشون از ما قرمزتره... شرکزار باش!
من پرسشگر: مسئولین آیا زیر خط فقر زندگی می‌کنند!؟

پی‌نوشت

پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند:
لَکُمْ رَاعٍ وَ لَکُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ
بدانید که همه شما مسئولید و همه شما نسبت به زیردستانش بازخواست می‌شوید.